

داور جایزه جلال: آثار ضعیف بود، به زحمت تا مرحله نامزدی رسیدند/ خیز موفق زنان نویسندگان در داستان کوتاه



شناسه خبر: ۱۲۸۴۷۶ سه شنبه ۵ دی ۱۴۰۲ - ۰۸:۵۴

حبیب یوسفزاده داور بخش داستان کوتاه جایزه جلال می گوید: آثار این دوره به لحاظ کیفی آنقدر ضعیف بود که به زحمت تا مرحله نامزدی پیش آمدند، در عین حال حضور زنان نویسندگان که دغدغه های مبتلی به زنان را دنبال می کردند، در عرصه داستان کوتاه قابل توجه بود.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر، شانزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد فردا چهارشنبه با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان می دهد، تعداد آثار رسیده به دبیرخانه این دوره جایزه ۲ هزار و ۸۹۰ اثر بوده است، در بخش مستندنگاری ۸۹۳ اثر، در بخش نقد ادبی ۸۳ اثر، در بخش داستان بلند و رمان ۱۴۷۱ اثر و در بخش مجموعه داستان کوتاه ۴۴۳ اثر ارزیابی شده اند. در بخش داستان کوتاه این دوره باز هم با کمترین تعداد نامزدها مواجه هستیم. داوران به

معرفی تنها 2 نامزد اکتفا کرده‌اند و هنوز مشخص نیست در این بخش شاهد اثر برگزیده یا شایسته تقدیر هستیم یا خیر.

نخستین دوره داستان کوتاه ایرانی از سال 1300 با کتاب «یکی بود یکی نبود» جمالزاده آغاز شد. در دهه‌های 40 تا 70 اوج داستان‌نویسی در ایران بود. پس از انقلاب نیز داستان‌نویسی در ایران رشد داشته است؛ البته این رشد با فراز و فرودهای زیادی، خصوصاً در دهه حاضر، همراه بوده است. از ابتدای دهه 90 داستان‌های پرشماری با ورود جوانان به عرصه داستان‌نویسی منتشر شده است؛ داستان‌هایی که به باور منتقدان عجل بودن نویسندگان برای انتشار آنها آفتشان شده است. طبیعی است وقتی که اثر ادبی قبل از رسیدن به پختگی کامل وارد چرخه توزیع شود، با حجم انبوه ولی ضعیف داستان‌هایی روبرو هستیم که به کلیت هویت داستان کوتاه آسیب می‌رسانند.

آسیب دیگری که برای داستان کوتاه در ایران در سال‌های اخیر برشمرده می‌شود، نازل و شخصی بودن دغدغه‌ها و مسئله نویسندگان است. دردمندی و رسالت اجتماعی بر خلاف دهه 40 تا 70 امروز کمتر در داستان‌های کوتاه ایرانی مشاهده می‌شود. به باور داوران جشنواره‌های مختلف ادبی داستان ایرانی که به مزیت اقلیم، گویش، باورمندی، سبک زندگی، معنویت، شگفتی‌آفرینی و عناصر مهم دیگری مفتخر بوده است، حالا در سال‌های اخیر به سمت پیروی یا الهام گرفتن محض از نمونه‌های موفق ادبیات غرب پیش می‌رود به نظر می‌رسد، همین توجه صرف به عنصر ساختار تا حدودی سبب شده است که هویت و اقتدار داستان ایرانی خدشه‌دار شود.

جایزه جلال که به عنوان مهمترین جایزه ادبی کشور در سال به بررسی آثار منتشر شده در سال ماقبل خود می‌پردازد، نیز در سال‌های اخیر در بیانیه‌های هیئت داوران خود به افت داستان ایرانی اشاره کرده است. حالا در آستانه اختتامیه شانزدهمین دوره آن هستیم و هیئت داوران این بخش شامل حبیب یوسف‌زاده، مهدی کفاش و محمد رکنی دو کتاب «از قبل یکشنبه می‌شود» نوشته علی شاهمرادی از نشر خزه و «عاصف و الدار» نوشته محمدقائم خانی از نشر صاد را به عنوان نامزدهای این بخش معرفی کرده است.

موج خبر به همین مناسبت با حبیب یوسف‌زاده داور این بخش درباره کم و کیف آثار این بخش گفت‌وگو کرده است، این گفت‌وگو به شرح ذیل است:

جناب یوسف‌زاده درباره وضعیت آثار ارزیابی شده در بخش داستان کوتاه شانزدهمین جایزه جلال را به لحاظ کمی و کیفی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از بین بیش از 400 اثری که به دبیرخانه ارسال شده است، تعداد 144 اثر از ریزش اولیه به مرحله داوری رسیدند که به

نظر من همین قدر مجموعه داستان برای هر کشوری مغتنم است و انتظار نمی‌رود که به لحاظ عناوین رشد بیشتری داشته باشیم، بلکه در نقطه مقابل یعنی در کیفیت باید انتظار ارتقا داشته باشیم.

متأسفانه در حوزه کیفی نمی‌توان خیلی امیدوارانه صحبت کرد، تا جایی که بنده کارها را ارزیابی کردم، دوستان نویسندگان ما به سمت پست مدرن‌نویسی گرایش پیدا کرده‌اند. اغلب دیدگاه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی خود را در قالب داستان کوتاه بیان کرده‌اند، به همین دلیل کارها خیلی به دل نمی‌نشیند، اصول اولیه و بدیهی داستان کوتاه که همه می‌دانند و عبارت است از: غافل‌گیری، وحدت‌تأثیر؛ درگیری مخاطب رو... معمولاً در داستان‌ها اندک دیده می‌شوند. گویی نویسندگان این داستان‌ها ترجمانی از نگاه‌های فلسفی خود را در قالب عبارات مطرح می‌کنند.

نویسندگان داستان کوتاه ایرانی ادای فلاسفه را در می‌آورند

در واقع بیشتر نویسندگان ما ادای فلاسفه را درآورده بودند، چرا که اگر نگاه فلسفی در کار حاکم باشد و به نحو مطلوبی به آن پرداخته شود، ما با یک اثر فاخر مواجه خواهیم بود، همان طور که ما در متون کهن در آثار عطار شاهد دیدگاه‌های فلسفی هستیم که مباحث عرفانی را مطرح می‌کند و دایره مخاطبانش عموم مردم هستند.

اما در داستان‌های امروزی پیچش‌های عجیب و غریبی بنام دیدگاه‌های فلسفی در متن وجود دارد که بیشتر مناسب خواصی که در فلسفه غور کرده‌اند، است، نه عوام. در حالی که وظیفه ادبیات این نیست که برای خواص بنویسد، ادبیات وظیفه دارد با کلیه آحاد جامعه ارتباط برقرار کند.

عمده آثار ساختار داستان کوتاه را رعایت نکرده بودند

به لحاظ فنی این داستان‌ها چگونه بودند؟ آیا به لحاظ فنون ادبی و ساختار استاندارد بودند؟

به لحاظ فنی و ساختاری وضعیت بینابین بود، کمتر از 50 درصد داستان‌ها به رعایت استانداردها و شیوه‌های نگارش پرداخته بودند، عمده داستان‌ها ساختار داستان کوتاه را رعایت نکرده بودند، برای نمونه 98 صفحه داستان را به همراه دو داستان دیگر در قالب یک کتاب منتشر کرده و اسم مجموعه داستان کوتاه روی آن گذاشته بودند.

یکی از انتقادات داوران در سال‌های گذشته به ویژه در بخش رمان گریه‌برداری نویسندگان از داستان‌های غربی بود، آیا در این دوره نیز در حوزه داستان کوتاه با آن مواجه بودیم؟

به لحاظ موضوع من در داستان کوتاه کمتر گریه برداری را دیدم، بیشتر آثار به مسائل بومی پرداخته بودند؛ فقط نویسندگان توانسته بود از عهده اثر بر بیاید، بودند نویسندگانی هم که حق مطلب را ادا کرده باشند اما عمدتاً اینچنین نبود و جذابیت لازم را نداشتند.

استفاده از زبان فاخر نقطه قوت داستان‌های کوتاه

اگر بخواهید از یک نقطه قوت در داستان‌های کوتاه منتشر شده در سال 1401 که در این دوره ارزیابی شدند، نام ببرید، به چه موضوعی اشاره می‌کنید؟

شاید مهمترین نقطه قوت، این بود که به لحاظ نشر، زبان و به کارگیری زبان فارسی به پختگی خوبی رسیده بودند، نویسندگان داستان کوتاه خیلی خوب حرف می‌زدند، اما حرف‌های خوبی نمی‌زدند. مخاطب با متن همراه می‌شد و از اینکه نویسندگان چنان توصیفات کرده، چنان نگاهی در زبان داشته‌اند می‌برد، اما در نهایت می‌گفت خوب که چه؟ این زبان فاخر برون‌دادی برای مخاطب نداشته. مخاطب را با خود درگیر نمی‌کرد.

فرمودید که نویسندگان بیشتر به سراغ دیدگاه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی بوده‌اند، آیا این دیدگاه‌ها دغدغه فرد نویسنده بود یا دغدغه‌های مردمی؟

هر دو در بین آثار دیده می‌شد، در پرداختن به دغدغه‌های جامعه چند مورد اثر خوب داشتیم، البته یکی دو مورد به دلیل تاریخ نشر امکان حضور در این دوره را نداشت، که اگر امکان شرکتش بود، می‌توانست برگزیده باشد. نویسندگان زن که در این دوره حضور پررنگی داشتند بیشتر مسائل مبتلا به جامعه زنان را ورود کرده بودند که به نسبت آثارشان نیز بد نبود.

از نویسندگان جوان شاهد آثار زیادی بودیم، نویسندگان زن خیز خوبی برداشته بودند، فراوانی آثارشان قابل توجه است، که این هم نویدی برای جامعه ادبی کشور است. نویسندگان زن پی‌شاز این نیز در حوزه ادبیات دفاع مقدس خوب درخشان بودند و حالا در عرصه داستان کوتاه نیز بتوان حضور دارند. البته در آثارشان بیشتر مسائل زنان پررنگ بود.

اغلب آثار داستان کوتاه آنقدر ضعیف بودند که به مرحله نامزدی هم نرسیدند

چرا در حوزه داستان کوتاه بر خلاف سایر حوزه‌ها تنها 2 نامزد معرفی شد؟

معرفی دو نامزد از بین آثار ارسال شده به همان کیفیت آثار باز می‌گردد، این برای داوران هم مایوس کننده است که کارهای قابل توجه اندک باشد. متأسفانه اکثر آثار منتشر شده در قالب داستان کوتاه آنقدر ضعیف بودند که حتی به مرحله نامزدی هم نرسیدند، میان همه آثار 5 تا 6 اثر بودند که با هم رقابت نزدیک داشتند آن هم به لحاظ قوت نثر و توان نویسنده. در نهایت ما دو نامزد را معرفی کردیم.

انتهای پیام/

انتهای پیام/